

The increasing development and expansion of relations between countries and nations, especially the significant expansion of international trade relations, migrations, tourism industry and the formation of transnational companies willingly have legal consequences. One of these consequences is the occurrence of lawsuits and disputes between persons of different nationality, an important part of which is presented to the foreign court and leads to the issuance of a ruling or decision of the foreign court, followed by the importance and necessity of identifying and implementing foreign rulings as an undeniable necessity. The executive system of foreign rulings in Iran is currently subject to Chapter 9 of the Civil Laws Enforcement Law, which, due to the increasing development of global trade, and the necessity of economic and cultural development of the country and attracting reliable foreign capitals and partners, cannot meet the needs of the country today. On the other hand, the opinions of our courts in this regard are met. This thesis is intended to review regional and international conventions, laws, regulations and judicial approaches of several countries and adapt them to Iran's laws, regulations and judicial regulations, discuss the flaws and weaknesses of Iran's law and judicial system, and finally propose proposals for reforming this part of the country's judicial system.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره چهار، تیر ۱۴۰۱، صص ۱۵۱۹-۱۵۰۱

بررسی تطبیقی اجرای احکام دادگاه های خارجی در محاکم ملی با تاکید بر اسناد قانون و رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران

محسن عامری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

حاتم صادقی زبازی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۸

مصطفی نصیری^۳

علی توکل طبسی^۴

چکیده:

توسعه و تسهیل روزافزون روابط بین کشورها و ملتها بخصوص گسترش چشم گیر روابط تجاری بین المللی، مهاجرتها، صنعت توریسم و تشکیل شرکتهای فراملی خواه ناخواه پیامدهای حقوقی بدنبال دارد. از جمله این پیامدها، بروز دعاوی و اختلاف بین اشخاص با ملیت های مختلف است که بخش مهمی از آن نزد محاکم خارجی طرح و منتهی به صدور حکم یا تصمیم دادگاه خارجی می شود. بدنبال آن اهمیت و ضرورت مسأله شناسائی و اجرای احکام خارجی به صورت ضرورتی غیر قابل انکار مطرح می شود. نظام اجرای احکام خارجی در ایران در حال حاضر، تابع فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی است که با توجه به توسعه روزافزون تجارت جهانی، صنعت توریسم و ظهور شرکتهای فراملی در عرصه بین المللی و لزوم توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور و جذب سرمایه ها و شرکای مطمئن خارجی خصوصا با توافق نامه برجام و پس از لغو تحریم های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آمریکا، در حال حاضر نمی تواند جوابگوی نیازهای امروزه کشور باشد. گرچه آمارهای اخیر از کم شدن حجم مناسبات تجاری ایران و اتحادیه اروپا طی نیمه نخست سال جاری و سال ۹۸ به دلیل فشارهای دولت آمریکا حکایت دارد و بسیاری از شرکتهای اروپایی برخلاف میل خود ناچار به ترک بازار ایران شدند با این حال، این شرکتها همچنان سعی کرده اند که ساختار اولیه خود در ایران را حفظ کنند تا بتوانند در زمان فروکش تنش های سیاسی میان ایران و آمریکا، بار دیگر به سرعت به ایران بازگردند. پس از خروج آمریکا از برجام، ساز و کار مالی اروپا موسوم به اینستکس و انتقادهایی که از سوی مقامات ایران نسبت به کندی در عملیاتی شدن آن مطرح شد، از این رو تلاش می شود این ساز و کار مالی به گونه ای ساختارمند پا به عرصه فعالیت بگذارد که قابل تهاجم از طرف دولت آمریکا نباشد. پس از انتخابات پر تنش اخیر آمریکا و کنار رفتن ترامپ از قدرت بارقه های امید در توسعه روابط پدیدار شده است. در هر حال در این خصوص موضوع مقاله حاضر تاکنون چندین پژوهش در غالب کتاب، پایان نامه و مقاله نسبت به تبیین موضوع و بررسی عوامل شناسایی و موانع اجرای احکام خارجی در حقوق مدنی ایران و دیگر کشورها پرداخته شده ولی تقریبا همگی جنبه مفهومی و نظری و کلی داشته و به جنبه های مهم میدانی و کاربردی و مطالعه فنی پرونده های مطروحه توجه نشده است از طرفی دیگر براساس بررسی اولیه، آراء دادگاه های ما در این خصوص متشتت و غیر منسجم بنظر می رسد. این مقاله برآنست ضمن بررسی کنوانسیونهای منطقه ای و بین المللی، بحث قرار داده و در نهایت پیشنهاد هائی در اصلاح این بخش مهم از سیستم قضائی کشور ارائه کند.

واژگان کلیدی: دادگاه های خارجی، محاکم ملی، رویه قضایی جمهوری اسلامی

^۱ دانشجوی دوره دکترا حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور. مرکز تحصیلات تکمیلی

مقدمه :

توسعه و تسهیل روزافزون روابط بین کشورها و ملتها بخصوص گسترش چشم گیر روابط تجاری بین المللی و گستردگی مهاجرتها و صنعت توریسم و تشکیل شرکتهای فراملی خواه ناخواه پیامدهای حقوقی بدنبال دارد. ازجمله این پیامدها، بروز دعاوی و اختلاف بین اشخاص با ملیت های مختلف است که بخش مهمی از آن نزد محاکم خارجی طرح و منتهی به صدور حکم یا تصمیم دادگاه خارجی می شود و بدنبال آن اهمیت و ضرورت مسأله شناسائی و اجرای احکام خارجی به صورت ضرورتی غیر قابل انکار مطرح می شود. می توان گفت استحکام و امنیت بازرگانی بین المللی تا حدود زیادی از طریق تسهیل و تقویت و نیز یکنواختی در نظام های شناسائی اجرای احکام خارجی در کشورهای مختلف، تقویت می شود. معمولاً جهت اجرای حکم صادره از دادگاه داخلی هر کشور، کافی است حکم داخلی قطعی و لازم الاجرا باشد تا دادگاه آن را به مرحله اجرا گذارد. اما هنگامی که حکم صادره از دادگاه یک کشور بخواهد در خارج از قلمرو سرزمینی آن کشور اجرا گردد موضوع به این سادگی نبوده و مشکلاتی را دربر خواهد داشت زیرا احکام محاکم، نمودی از حاکمیت هر کشور است که یک امر سرزمینی است و هیچ دولتی نمی تواند در خارج از مملکت خود حاکمیت داشته باشد و در نتیجه احکام صادره از محاکم یک کشور نمی توانند به خودی خود و مستقیماً در خارج از آن مملکت قدرت اجرائی داشته باشند. برای اینکه یک حکم صادره از دادگاه بیگانه بتواند در کشور دیگری اجرا گردد باید مقامات صالحه آن کشور به حکم مزبور قوه اجرائی اعطاء کنند. از لحاظ تئوری و در عرصه حقوق بین الملل عرفی بجز نزاکت بین المللی مبنای دیگری برای اجرای احکام قضائی خارجی بنظر نمی رسد. ولی ضرورت و احتیاج و مصلحت دولتها در اجرای احکام خارجی ایجاب می کند از طریق انعقاد عهدنامه های دو جانبه یا کنوانسیونهای چند جانبه بین المللی ترتیبات مطمئن و روشنی برای اجرای احکام خارجی در کشور خود اتخاذ کنند. علاوه بر این در قوانین داخلی اغلب کشورها احکام و مقرراتی برای اجرای احکام خارجی وجود دارد که نحوه شناسائی و اجرای آن را معلوم می کند. البته منظور از لزوم شناسائی و اجرای احکام خارجی این نیست که احکام دادگاه بیگانه بدون چون و چرا در دادگاه خارجی اجرا شود، بلکه منظور آنست که تنها احکامی که به حقوق خصوصی افراد مربوط می شود، شناسائی و اجازه اجرا داده شود ولی احکامی که به حقوق عمومی جامعه و دولتها مربوط می شود در کشورهای خارجی به مورد اجرا

مبانی نظری روشهای مختلف شناسائی و اجرای حکم خارجی:

توسعه روابط تجاری بین المللی مستلزم شناسائی و سپس اجرای احکام خارجی می باشد. اما این مسأله در همه کشورهای دنیا به یک صورت پیش بینی نشده است. بطور کلی روشهای شناسائی و اجرای

احکام را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که عبارتند از: کنترل محدود، کنترل نامحدود، رد مطلق و تجدید نظر مطلق.

تأثیر اصل مصونیت دولتها در اجرای احکام خارجی:

در دوران اخیر با دخالت روز افزون دولتها در امور بازرگانی و صنعتی بخصوص در کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً در قرار دادهای مهم سرمایه‌گذاری بین دولت با موسسه خصوصی خارجی مسأله تأثیر مصونیت دولت در مقابل عملیات اجرائی رابطه بسیار نزدیکی با موضوع اجرای آراء صادره علیه دولتها پیدا کرده است.

با بررسی سوابق بنظر می‌رسد در این مورد خاص در سیستمهای مختلف حقوقی وحدت رویه موجود نیست. دیگر اینکه در بعضی از کشورها بین طرح دعوی علیه دولت خارجی (در مورد عملیات تصدی یعنی مصونیت اجرائی) و تقاضای اجرای حکم محکوم علیه خارجی یعنی مصونیت اجرائی بوسیله داوری تفاوت وجود داشته و در عین حالی که ممکن است اقامه دعوی علیه دولت پذیرفته باشد اما دادگاههای آن کشور آراء صادره از محاکم خارجی را نسبت به اموال دولت خارجی دیگر واقع در قلمرو دادگاه اجرا نمی‌کنند در این فصل سعی بر این است سه نظریه مشهور متمایز را در مورد مصونیت دولت در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. این سه نظریه عبارتند از: اصل مصونیت مطلق، اصل رد مصونیت بطور کلی (جز در موارد معدود) و اصل قبول مصونیت دولت در زمینه اعمال حاکمیت و رد مصونیت آن در مورد اعمال تصدی.

نظریه مصونیت مطلق:

به موجب یک عرف بسیار قدیمی در نظام کامن لو که هنوز هم رگه‌هایی از آن در انگلیس در مورد دولتهای خارجی اجرا می‌شود فرض بر این است که دولت از هرگونه مسئولیتی مبری است زیرا بنا به استدلال مارچل (۱۹) نمی‌توان علیه مرجعی که مورد حق باشد و اصل حق ناشی از اراده او است اقامه دعوی کرد و قوه حاکمه را برخلاف میل خود آن قوه، در تحت صلاحیت محاکم دادگستری درآورد. بنظر می‌رسد این اصل را محاکم کامن لو به منظور اجتناب از رسیدگی به دعوی اتباع کشور علیه دولت متبوعه ایشان و در واقع به مصلحت خزانه مملکت ابداع کرده‌اند و بسیاری از حقوقدانان بزرگ انگلیسی پس از تصویب قانون **Act Crown Proceeding** در سال ۱۹۴۷ (۲۰) صریحاً از این رویه قضائی انتقاد می‌کنند و بنظر آنان در حالی که خود دولت انگلیس به موجب قانون مزبور در دادگاههای کشور قابل تعقیب می‌باشد خیلی دور از واقعیت است که به اشخاص حقوق خصوصی اجازه داده نشود که لااقل در دعوی بازرگانی علیه یک دولت خارجی در انگلیس اقامه دعوا نمایند.

نظریه رد مصونیت:

لوترباخت در مقاله خود تحت عنوان « مسئله مصونیت قضائی دول خارجی » مندرج در جلد ۲۸ سالنامه انگلیسی حقوق بین الملل ۱۹۶۱ اعتقاد دارد که اساساً مصونیت دولت فاقد مبنای حقوقی است و دولت را مانند هر شخص حقوقی دیگر می توان در محاکم تعقیب نمود و یا آراء داوری صادره بر علیه دولت را به طریق عادی اجرا کرد . حقوقدان یاد شده به هر حال نتوانسته است مصونیت دولتها را در بعضی موارد خاص منکر شود و استثنائاتی را که راجع به اعمال حاکمیت دولتها به معنای اخص می باشد وارد نموده و اعتقاد دارد دادگاهها به علت طبیعت ذاتاً سیاسی بعضی از دعاوی نمی توانند دعاوی مزبور را استماع نمایند.

نظریه مصونیت محدود دولتها:

این نظریه که مورد توافق بیشتر سیستمهای حقوقی می باشد بر این مبنا استوار است که صرف دخالت یک دولت در عملیات صنعتی و بازرگانی و در نتیجه اقدام به اعمال تصدی ، در حکم اعراض ضمنی آن دولت از استناد به اصل مصونیت در مورد رسیدگی موضوع از طریق مراجع دادگستری است .

نظریه یاد شده تصریح دارد که بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی یک دولت تفاوت وجود دارد لذا قبل از اینکه دادگاه یک حکم را به مرحله اجرا بگذارد باید این نکته را بررسی را نماید که آیا رای مزبور در زمینه اختلافات بازرگانی و اعمال تصدی صادر شده است یا در مورد اختلافات حاصله بین یک سرمایه گذار خارجی و دولت در موضوعاتی که به نحوی از انحاء راجع به حاکمیت دولت میباشد ، صادر گردیده است .

اجرای احکام خارجی در ایران:

تاریخچه اجرای احکام خارجی در ایران:

هرچند با تصویب قانون «اجرای احکام مدنی» در اول آبانماه ۱۳۵۶، شبهه‌ای در قابلیت اجرای احکام خارجی تحت شرایط مندرج در این قانون نیست، اما باید متذکر شد که در طول تاریخ ایران همیشه وضع چنین نبوده است. در واقع در برهه‌ای از زمان نه تنها نظر مثبتی نسبت به اجرای احکام خارجی وجود نداشته، بلکه با اجرای احکام خارجی در ایران مقابله هم می‌شده است. این امر ریشه در جو قضایی حاکم بر کشور قبل از الغاء کاپیتولاسیون داشته است . پیش از مشروطیت حل و فصل دعاوی در تهران در دیوانخانه عدلیه و در ولایات به وسیله حکام صورت می‌گرفت . در این دوره قوانین مدون لازم الاجراء وجود نداشت و در اغلب موارد احکام شرعی در رفع اختلافات حاکم بود. از همه مهمتر در این دوره نظام کاپیتولاسیون (۵۲) که مطابق آن برای بیگانگان در ایران حق قضاوت کنسولی در نظر گرفته می‌شد مستقر بود. در نتیجه چنانچه

یک خارجی در ایران مرتکب جرمی می‌شد و یا دین مدنی بر عهده او مستقر می‌شد، و به طور کلی به هر ادعایی علیه خارجی‌ان در محاکم مخصوصی در وزارت امور خارجه و مطابق قوانین کشور متبوع بیگانه رسیدگی می‌شد. پس از استقرار مشروطیت لایحه «تشکیلات و اصول محاکمات حقوقی» در سال ۱۳۲۹ (هجری . قمری) تدوین، و به صورت موقتی بمورد اجراء گذاشته شد. بررسی این قانون که خود مقدمه لغو کاپیتولاسیون در ایران بود نشان می‌دهد که تدوین کنندگان آن نظر مساعدی نسبت به اجرای احکام خارجی در ایران نداشتند. (۵۳) ایجاد محاکم مخصوص در وزارت امور خارجه و شعب آن در ولایات بنام کارگزاریها برای حل و فصل دعاوی که اتباع خارجی در آن دخیل بودند و احکام صادره از این محاکم در واقع محیط نامناسبی برای اجرای احکام بیگانه در ایران ایجاد کرده بود. لذا به اجرای آراء خارجی در ایران بیشتر به صورت وسیله‌ای برای تسلط بیگانگان نگریسته می‌شد و در نتیجه نسبت به آن نظر مثبتی وجود نداشت. ایران را می‌توان از این حیث در آن مقطع زمانی در زمره کشورهایی قرار داد که معتقد به رد مطلق احکام بیگانه بود.

شرایط اجرای احکام خارجی در ایران:

شرط اول: حکم دادگاه خارجی باید در امور مدنی باشد:

با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی و اصل احترام به حاکمیت کشورها، اجرای احکام کیفری کشورهای بیگانه در قوانین ایران پیش بینی نشده لذا احکام جزائی محاکم بیگانه در ایران قابلیت اجراء ندارند و پرونده‌ای که در دادگاه خارجی منتهی به صدور رای شده است باید پرونده حقوقی بوده تا قابلیت بررسی و اجرای حکم در ایران داشته باشد. به این ترتیب هر گاه شخصی در دادگاه جزائی محکوم شده باشد اجرای حکم که وصول جرمه است در ایران مقدور نیست. (۵۷)

شرط دوم: رفتار متقابل کشور صادرکننده رأی در اجرای احکام دادگاههای ایران:

یکی از شرایط قابلیت اجرای احکام صادره از کشورهای بیگانه اینست که حکم از کشوری صادر شده باشد که بموجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادره محاکم ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا عملاً در مورد اجرای احکام معامله متقابل کند (reciprocity) این عبارت در بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی تصریح شده است. زیرا همانطور که گفتیم احکام قضائی از مظاهر حاکمیت هر کشور است و اجرای مستقیم احکام داخلی هر کشور در خارج از قلمرو آن به

منزله دخالت در امور کشور دیگر است اما اگر به صورت متقابل صورت گیرد بمعنای تساوی حاکمیت دولتها است (اعمال حاکمیت هر دو کشور در قلمرو دیگر) و این حالت غیر قابل تحمل از بین می‌رود و صورت نظم بین‌المللی به خود می‌گیرد لذا قاعده رفتار متقابل در واقع یکی از موازین حقوق بین‌الملل بوده و سنگ زیربنای آن را تشکیل می‌دهد.

شرط سوم: عدم مغایرت مفاد حکم با نظم عمومی و اخلاق حسنه

طبق بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مفاد حکم صادره دادگاه خارجی نباید مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. با توجه به اهمیت این موضوع خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی که به مبانی کرامتهای انسانی و اصول اخلاقی جامعه اهمیت وافر داده شده است.

شرط چهارم: عدم مخالفت رأی با عهد بین‌المللی و قوانین مخصوص:

یکی دیگر از شرایط اجرای حکم دادگاه خارجی اینست اجرای حکم مخالف با عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

اصل ۷۷ قانون اساسی مقرر نموده: «عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

و ماده ۹ قانون مدنی بیان داشته که: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

شرط پنجم: حکم در کشور صادرکننده رأی قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد:

این شرط برای احکام صادره در خارج به وسیله شرط دیگری که در ماده ۱۶۹ آمده ظهور پیدا می‌نماید بند ۴- و بند ۸ ماده مذکور با یکدیگر مرتبط هستند. یعنی اگر صدور اجرائیه محرز بوده باشد مشخص می‌شود که حکم قطعی بوده و دارای اعتبار قانونی است به عبارت دیگر دادگاه دو شرط را توأم با یکدیگر ملاحظه می‌کند. حکم باید طبق قانون آئین دادرسی کشور صادرکننده رأی لازم‌الاجرا و قطعی باشد و نیز شامل مرور زمان نگردیده باشد. همان گونه که ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی مقرر نموده محاکم داخلی به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجی همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قانون کشور که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد لذا برای حکمی که در کشور خارجی

قطعی نشده نمی توان اعتبار امرمختومه را قائل شد زیرا حکم مذکور درکشور صادرکننده دارای آن اعتبار نمی باشد. درحقوق بین الملل خصوصی این مسئله به عنوان یک قاعده پذیرفته شده است که یک تصمیم قضائی نمی تواند درخارج از مقر دادگاه صادرکننده حکم اثری بیش از آنچه محاکم صادرکننده وبه اعتباربهرتر پدید آورندگان آن برای آن قائل شده اند داشته باشد.(۸۸) لذا می بایست حکم اصداری از دادگاه بیگانه معتبر و قطعی باشد ثانیاً قابلیت اجرا درکشور محل صدور را داشته باشد.

شرط ششم: عدم صدور حکم معارض از دادگاههای ایران:

مطابق بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی یکی از شرایط اجرای حکم دادگاههای خارجی این است که از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاههای خارجی صادرنشده باشد دراین خصوص لازم به ذکر است که ماده ۹۷۱ قانون مدنی که درمقام تعیین قانون حاکم برصلاحیت دادگاه است ضمن اینکه دعاوی را از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به آئین دادرسی، تابع قانون محلی دانسته است که درآنجا اقامه می شود مقرر نموده: «مطرح بودن همان دعوی درمحکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.» با تطبیق دو مقرر فوق الذکر می توان استنباط کرد که همانگونه که ممکن است درداخل کشور احکام معارضی صادرشود که جمع بین آنها ممکن نباشد درآئین دادرسی برای چنین مواردی مقرراتی پیش بینی شده است حال ممکن است حکم خارجی که تقاضای اجرای آن شده وهمه شرایط مقرر را داشته باشد مواجه با حکمی از دادگاههای ایران شود که درجهت مخالف حکم خارجی صادرشده است دراین مورد بدیهی است که حکم خارجی که مخالف حکم دادگاههای داخلی است قابل اجرا نمی باشد اما درصورتی که دعوی دردادگاههای ایران مطرح رسیدگی باشد وعیناً همان دعوا درمحاکم بیگانه طرح شده باشد و اتفاقاً زودتر دردادگاه خارجی منتهی به صدورحکم شود به نظر می رسد مطابق ماده ۹۷۱ قانون مدنی صدور حکم از آن محکمه رافع صلاحیت دادگاه ایرانی نخواهد

شرط هفتم: عدم اختصاص موضوع به دادگاههای ایران:

قانونگذارهرکشوری برخی اموررا درصلاحیت انحصاری دادگاههای خود قرارداده است لذا درچنین مواردی محاکم بیگانه صلاحیت رسیدگی نداشته واگرهم رسیدگی کردند اگرچه رای صادره سایر شرایطی را داشته باشند قابلیت اجرا درایران را ندارد. برای تشخیص اینکه چه اموری

در صلاحیت انحصاری محاکم کشور می باشند؟ ضابطه خاصی وجود ندارد و بیشتر از مصادیق می توان این امور را بررسی و احصاء کرد.

شرط هشتم: صدور اجرائیه از کشور صادرکننده حکم:

در اجرای حکم از جانب مقام صلاحیت دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد. در مورد صلاحیت دادگاه خارجی از دو منظر مطرح می شود اول از نظر صلاحیت بین المللی یعنی تشخیص اینکه قوه قضائیه کشور خارجی در رسیدگی به موضوع صالح به رسیدگی بوده باشد. دوم از لحاظ صلاحیت داخلی یعنی اینکه تشخیص داده شود کدام یک از دادگاههای آن کشور خارجی صلاحیت رسیدگی را داشته اند (این تقسیم بندی به نحو دیگری تحت عنوان صلاحیت عمومی و صلاحیت خصوصی مطرح شده است (۹۰)

دادگاه ایران در این مورد وقتی احراز نمود که دستور اجرا از طرف مقامات صلاحیت دار خارجی صادر گردیده به این نتیجه خواهد رسید که صدور حکم طبق صلاحیت بین المللی و داخلی صادر شده است و علاوه بر آن صدور دستور اجرا از جانب مقامات صلاحیت دار کشور صادرکننده حکم بیانگر آن است که مراحل دادرسی تماماً طی شده و حکم قطعی گردیده است.

ترتیبات اجرای احکام خارجی در ایران:

بغیر از احراز شرایط مندرج در قانون و رویه قضائی کشور محل تقاضای اجرای حکم، برای اجرای احکام خارجی رعایت تشریفات و ارائه مدارکی نیز لازم است. ولی همانگونه که قبلاً عنوان شد قضات می بایست بین شناسائی و اجرای حکم خارجی تفکیک نمایند. بعبارت دیگر در مرحله اول، دادگاه اجرا کننده حکم قبل از اجرا می بایست حکم را شناسائی نماید. هر حکمی که دستور اجرا آن از طرف دادگاه صادر کننده حکم خارجی صادر شود باید اول شناسائی شود، ولی هر حکمی که شناسائی گردید و مورد تأیید دادگاه قرار گرفت الزاماً به اجراء گذاشته نمی شود. بعبارت دیگر رابطه منطقی بین شناسائی و اجرای حکم، رابطه عموم و خصوص مطلق است یعنی هر اجرای حکمی لازمه اش شناسائی آن است ولی بعضی از شناسائی های احکام خارجی اجرا نمی شوند و بعضی دیگر قابلیت اجرا دارند. شناسائی حکم با صدور قرار قبول تقاضای اجرا صورت می گیرد و اجرای حکم با صدور دستور اجرا.

شناسائی حکم خارجی یعنی قابل اجرا دانستن آن و پذیرش حکم در سیستم قضائی داخلی، و اجرای حکم خارجی یعنی عمل به مفاد حکم خواه از طریق صدور اجرائیه یا بدون آن است. توضیح اینکه طبیعت برخی تصمیمات قضائی بگونه ای است که نیاز به صدور اجرائیه ندارد و آثار حکم بطور قهری به محض صدور، محقق می شود. همین که دادگاه، حکم صادره از محکمه بیگانه را معتبر شناخت، برای اینکه حکم مذکور اثر قهری خود را ببخشد کافی است مانند احکام صادره در خصوص احوال شخصیه و احکام انشائی در زمینه دارائی، همینطور احکامی که مربوط به تعیین تکلیف عین مال است مثل احکامی که در خصوص شناسائی مالکیت کشتی یا شناسائی مالکیت نسبت به مال غیر منقول حکم شناسائی شود. بطور مثال اگر دادگاهی حکم رشد یا جنون تبعه خود را صادر کرد و یا رابطه زوجیت بین مرد وزنی را باطل و منتفی اعلام نمود حکم مذکور بدون نیاز به اجرا اثر خود را می بخشد در این موارد گاهی یکی از طرفین یا حتی هر دو ی آنان ممکن است از دادگاه کشور دیگری تأیید حکم مذکور را بخواهد. این تقاضا گاهی جهت اثبات و استقرار و به عبارت دیگر برسمیت شناختن وضعیت فردی است که حکم درمورد او صادر شده، مثل موردی که دادگاه حکم به بطلان زوجیت بین زن و مردی از اتباع خود را بدهد و سپس یکی از طرفین حکم در کشوری دیگر قصد ازدواج مجدد بکند چنانچه در کشور اخیر تعدد زوجات خلاف قانون و نظم عمومی بوده و مجازاتی را در پی داشته باشد، تأیید حکم صادره از محکمه خارجی در مورد وضعیت تاهل فرد، در واقع ازدواج مجدد او را در آن کشور ممکن می سازد. اما گاهی یکی از اصحاب دعوی به منظوری اثر کردن حکم صادره از دادگاه خارجی، حقوق معارض با حکم مزبور را از دادگاه مطالبه می کند تا در صورتی که طرف به حکم خارجی استناد کرد مسئله بطلان آن در دادگاه مطرح شود.

دادگاه داخلی اجرا کننده حکم:

تأیید و تنفیذ حکم، اصلی است یا طاری، در مواردی که تقاضای تأیید و تنفیذ حکم اصلی است احدی از طرفین که عموماً محکوم له است جهت تأیید حکم، درخواستی به دادگاه تقدیم می نماید تقاضای تأیید حکم طاری است و آن در مواردی است که در ضمن دعوی دیگری به حکم صادره از محکمه خارجی استناد می شود و برای ادامه جریان رسیدگی بدهی است که ابتدا می بایست تکلیف حکم مورد استناد مشخص گردد و بعد براساس رای دادگاه حسب مورد بر شناسائی یا عدم شناسائی حکم خارجی، دادگاه مبادرت به صدور حکم نماید به عنوان مثال چنانچه در کشوری که تعدد زوجات در آن جرم محسوب می شود دعوائی در این زمینه مطرح باشد و در حین دعوی یکی از

طرفین استناد به حکم طلاق صادره از محکمه خارجی کند، و یا اینکه در جریان یک دعوی به خواسته الزام به ایفای تعهدات، خواننده دعوی به استناد حکم یک دادگاه خارجی ابراز دارد که وی محجور بوده و معامله غیر نافذ می باشد، تأیید یا رد احکام یاد شده در موضوع مطروحه دعوی طاری خواهد بود دیوان کشور فرانسه در رای مورخه ۳ مارس ۱۹۳۰ اعلام نموده «همینکه اجرای احکام مستلزم مراجعه به دادگاه نباشد، احکام صادره از ناحیه یک دادگاه خارجی در خصوص احوال شخصیه و اهلیت اشخاص در فرانسه بدون نیاز به صدور اجرائیه دارای اثر خواهد بود.» (۱۱۴)

دادگاه اجرا کننده حکم خارجی:

پس از اخذ حکم از دادگاه خارجی محکوم له جهت شناسائی و اجرای آن در ایران باید به دادگاه صالح تقاضا نامه خود را که معمولاً در دادخواست تنظیم می شود تقدیم دارد و دادگاه محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه دادگاه صالحه داخلی خواهد بود و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه عمومی تهران صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت. در این خصوص ماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی مقرر میدارد: «مرجع تقاضای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران خواهد است.»

نحوه اجرای حکم خارجی:

قانون اجرای احکام مدنی در این خصوص مقرر می دارد: «احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا گذاشته می شود.» بدین ترتیب به محض ورود حکم به سیستم قضائی ایران با شناسائی آن توسط دادگاه ایرانی، اجرای آن مطابق مقررات اجرای احکام مدنی انجام می گیرد. اجرائیه صادر شده از دادگاه توسط اجرای احکام و برطبق تشریفات مندرج در قانون اجرای احکام مدنی به موقع اجرا گذاشته می شود.

ماده ۱۹ قانون اجرای احکام مدنی در این خصوص مقرر می دارد:

« اجرائیه به وسیله قسمت اجرای دادگاهی که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته می شود.» مدیر اجرا پس از صدور دستور اجرا توسط دادگاه، پرونده ای تشکیل می دهد تا اجرائیه و تقاضا نامه و کلیه برگهای ضمیمه مربوطه در آن بایگانی شود. بدین لحاظ ماده ۲۱ قانون مزبور تصریح دارد: « مدیر اجرا برای اجرای حکم پرونده ای تشکیل می دهد تا اجرائیه و تقاضاها و کلیه برگهای

مربوط بترتیب در آن بایگانی شود» ماده ۲۲ و ۲۳ قانون یاد شده تصریح دارد: «طرفین می توانند پرونده اجرائی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی بگیرد هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی اخذ می شود. - پس از ابلاغ اجرائیه، مدیر اجرا نام دادورز (مامور اجرا) را در ذیل اجرائیه نوشته و عملیات اجرائی را بعهد او محول می کند.»

نقش دادگاه صادر کننده دستور اجرا در رفع ابهام از حکم و رفع اشکالات اجرائی:

به محض صدور اجرائیه و تشکیل پرونده در دایره اجرا، اجرای حکم بدون اینکه در جریان آن بجزء در موارد مذکور در قانون، وقفه ای ایجاد شود ادامه می یابد. اما اجرای حکم همیشه به سهولت انجام نمی پذیرد و گاه در حین اجراء مامورین با مشکلاتی مواجه می شوند. هر چند از نظر دادگاه صادرکننده اجرائیه ممکن است حکم کاملاً آماده اجرا باشد. اما در جریان اجراء عملاً مشکلاتی بوجود می آید. این مشکلات گاهی ناشی از ابهام در حکم است و گاه در جریان اجراء بوجود می آید بدون اینکه ابهامی در مفاد حکم وجود داشته باشد.

ماده ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی مقرر میدارد: «اختلافات ناشی از اجرای حکم راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجراء می شود.» و ماده ۲۷ همان قانون در ادامه پیش بینی می کند: «در اختلافات راجع به مفاد حکم، همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث می شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می شود.»

بدین ترتیب گاهی در اثر ابهام یا اجمال در حکم و یا محکوم به اختلافاتی بین طرفین دعوا در اجرا ایجاد می شود. ماده ۲۷ قانون اجرای احکام مدنی رفع اینگونه ابهامات را در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم می داند. این راه حل برای احکامی که توسط دادگاههای داخلی صادر شده اند راه حل مناسبی است. اما برای احکام صادره از محاکم خارجی بکار بردن آن عملاً ممکن نیست چه ، رای از محکمه خارج از ایران صادر شده است و عودت حکم به دادگاه صادرکننده آن نه در صلاحیت دادگاه اجراء کننده حکم است و نه عملاً ممکن خواهد بود.

نتیجه گیری:

دنیای امروز همکاری نزدیکتری را بین کشورها در امور حقوقی و قضائی ایجاب می کند کشورهای جهان در قرن ۲۱ به مراتب به یکدیگر وابستگی بیشتری دارند تا قدیم. در این عصر که عصر ارتباط

و گفتگوی تمدن‌ها و انفجار اطلاعات نام گرفته، مهاجرت و تجارت مفهوم تازه‌ای پیدا کرده‌اند. وسایل ارتباط جمعی بطور وسیع ارتباط کشورها را آسانتر و امکان پذیرتر نموده است. حقوق بین الملل نیز توسعه روزافزون یافته و با تصویب کنوانسیونهای مختلف روز بروز کشورها اختیار عمل کمتر و محدودتری خواهند داشت و جهان بسوی وحدت حقوقی پیش می‌رود. تمام این موارد همکاری هرچه نزدیکتر کشورها در زمینه‌های مختلف حقوقی و قضائی را منجمله در زمینه اجرای احکام طلب می‌کند.

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، هرچند اجرای احکام خارجی را پیش‌بینی و شرایط مندرج در آن از نظر اصول قضایی تا حدودی مناسب به نظر می‌رسد اما، باید دانست صرف داشتن یک قانون مدون جهت اجرای احکام خارجی کفایت نمی‌کند زیرا قانون را قضات اجرا می‌کنند و استنباط ایشان از قانون در پرتو واقعیات و ضرورت‌های زندگی و نیازهای عصر خود، صورت می‌گیرد. بنابراین رویه قضائی که ثمره اجرای قانون در طول زمان است، نقش بسیار مهمی در حسن اجرای آن دارد و می‌تواند ضعف‌ها و کمبودهای قانونی را تکمیل نماید. در طول بحث سخن از رویه قضایی کشورهای دیگر رانندیم. آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند میزان مشارکتی است که رویه قضایی کشورها در تکمیل و توسعه حقوق مربوط به اجرای احکام خارجی دارد. و از طرفی کشورهایی که مرکز تجارت بین‌المللی هستند تسهیلات بیشتری برای اجرای احکام خارجی قائلند و این امر جریان تجارت بین‌المللی را پایدار می‌کند و وسعت می‌بخشد. اگر کشور ما بخواهد در زمینه تجارت بین‌المللی و جذب سرمایه‌های خارجی و حتی عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) موفق باشد میبایست سیستم قضائی فعلی را به استانداردهای جهانی نزدیک‌تر سازد.

البته هدف از ذکر مطالب اخیر تشویق به اجرای بی‌چون و چرای احکام خارجی در ایران نیست، بلکه مقصود این است که برای اجرای احکام خارجی داشتن یک قانون مدون به تنهایی کافی نیست بلکه، کل سیستم قضائی کشور باید به گونه‌ای باشد که دادگاههای خارجی احکام آن را پذیرفته و اجرا نمایند. طبیعی است وقتی احکام صادره از محاکم ایران در کشور خارجی مورد پذیرش و اجرا باشند، ایران نیز متقابلاً احکام کشور مذکور را شناسائی و اجراء می‌کند. چنانکه در طول این مقاله گفتیم مقصود از حکم خارجی، احکام مدنی است. از این رو اهمیت اجرای احکام مدنی خارجی بخصوص در قراردادهای بین‌اشخاص حقوقی و حقیقی ایرانی و خارجی دو

چندان است. اگر قرار باشد در قراردادها و قانون صالح و محکمه صالح، قانون و دادگاه ایران باشد باید زمینه برای رسیدگی صحیح و صدور احکام جهت حل اختلافات ناشی از قرارداد نیز آماده باشد، در غیر اینصورت اتباع خارجی به سختی زیر بار قانون ایران برای حل و فصل اختلافات ناشی از قرار داد خواهند رفت. مستدل و مستند بودن آرای قضایی» یکی از پذیرفته شده ترین اصول حقوقی حاکم بر هر مرجع قضایی و شبه قضایی است و می توان آن را یکی از نتایج اصل برائت و همچنین یکی از پیش شرط های اجرای عدالت در حل و فصل قضایی اختلاف ها دانست. این قاعده نه تنها همواره جزئی از قوانین آیین دادرسی ایران بوده بلکه اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تأکید کرده و دادگاه های عمومی حقوقی در قوه قضاییه یکی از مراجع قضایی نشأت گرفته از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مشمول این قاعده است.

در این مقاله با بررسی پایبندی دادگاه های عمومی حقوقی تهران و برخی شهرستانها به قاعده فوق پرداختیم و مواردی از نقض قاعده فوق در اسناد قضایی مطرح گردید. ملاحظه شد پیامد عمده نقض این قاعده در بعد بین المللی عدم شناسایی و اعتبار بخشیدن به آرا دادگاه های ایرانی است بنابراین داشتن یک سیستم قضائی منسجم و توسعه یافته که از قانون و رویه قضایی ناظر به اجرای احکام خارجی نیز سیراب شده و منجر به صدور آرای مستدل و متقن گردد، به منظور حضور فعال در عرصه بین المللی، بخصوص برای توسعه روابط تجاری ضروری است.

با داشتن نظام قضائی ناقص و احکام قضایی ضعیف مسلماً نمی توان انتظار داشت که دادگاههای خارجی احکام صادره دادگاههای ما را به راحتی اجرا نمایند. بنظر می رسد بهترین راه حل علاوه بر اصلاح فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی، اصلاح و توسعه رویه قضائی محاکم و صدور احکام مستدل و مستند و متقن است. بدیهی است اگر رویه قضائی حاصل نیز منسجم باشد همین امر به نوبه خود باعث استحکام بیشتر نظام حقوقی و ایجاد یکنواختی و هماهنگی در رویه قضائی محاکم خواهد شد. لذا تدوین یک غالب و فرم مخصوص دادنامه نویسی توسط قوه قضاییه برای تضمین استحکام در استدلال و استنادات اقناعی احکام دادگاهها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است یک حکم مستحکم دادگاه می تواند قاعده ساز بوده و تولید علم کند، جامعه جهانی را به عدالت هرچه بیشتر رهنمون ساخته و موجب اعتبار بین المللی دادگاه های ایران و شناسایی و اجرای آن آرا در دیگر کشورها شود.

پیشنهاد قانون اصلاح (فصل نهم) قانون اجرای احکام مدنی مصوب اول آبان ۱۳۵۶:

گفتیم قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، هرچند اجرای احکام خارجی را پیش بینی و شرایط مندرج در آن تا حدودی برای آن روز مناسب به نظر می‌رسید اما با توجه به ابهامات و نواقصی که در عمل داشته و منجر به تشت آراء قضائی شده است اکنون با گذشت حدود ۲۵ سال از زمان تصویب آن و با توجه به تحولات جهانی شرایط نسوین و نیازهای جدید، بنحو کافی و وافی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی گردد و اصلاح آن ضروری بنظر می‌آید. اصلاح فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی بنحو مذکور در زیر پیشنهاد می‌شود:

ماده ۱- بند های زیر به ماده ۱۶۹ الحاق می‌گردد:

۹- ارتباط مؤثر موضوع دعوی با دادگاه خارجی صادر کننده حکم بنحوی که صلاحیت دادگاه خارجی در رسیدگی به آن را توجیه نماید.

۱۰- حکم دادگاه خارجی حضوری بوده و اخطاریه دادگاه خارجی در موقع مناسب به محکوم علیه ابلاغ واقعی شده باشد یا محکوم علیه در دادگاه حاضر شود یا در فرصت مناسب لایحه دفاعیه به دادگاه ارسال کرده و یا وکیل معرفی نموده باشد.

۱۱- حکم خارجی در نتیجه عمل متقلبانه یکی از طرفین دعوی یا حاصل مدارکی که بطور متقلبانه تحصیل و در اختیار دادگاه خارجی صادرکننده حکم قرار گرفته نبوده باشد.

تبصره: اثبات تقلب بعهدہ طرف ذینفع خواهد بود.

ماده ۲- بند زیر به ماده ۱۷۳ الحاق میشود:

گواهی دادگاه صادر کننده حکم حاکی از آن باشد که محکوم علیه که در محکمه شرکت نکرده و لایحه ای نیز به دادگاه ارسال ننموده است حداقل یکبار اخطاریه دادگاه خارجی مزبور به موقع و بطور مناسب به وی ابلاغ گردیده باشد.

فهرست منابع داخلی:

۱- علی نوریان، محمود جلالی، مطالعه تطبیقی شرایط کلی شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران دوره ۵۰ تابستان

۱۳۹۹ شماره ۲

- ۲- سیامک کرم زاده، صدور و اجرای آرای دادگاه‌های امریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق امریکا مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران دوره ۹ شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۷
- ۳- جلیل مالکی، حسن پاشازاده، حمید بذریاچ، محمدرضا مجتهدی، بررسی عوامل شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق مدنی ایران دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی دوره ۸، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- ۴- محمدمهدی مقدادی، نسرین نکوجوی، راهکارهای مؤثر اجرای احکام مدنی در ایران و فرانسه دو فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی دانشگاه مفید سال چهارم شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۶
- ۵- طاهره نوری، بررسی تطبیقی شناسایی و اجرای آراء مدنی و تجاری خارجی در حقوق ایران و آمریکا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه گیلان - دانشکده علوم انسانی ۱۳۹۱
- ۶- جعفری لنگرودی دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۶۷
- ۷- جعفری لنگرودی دکتر محمد جعفر، مبسوط بر ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۸
- ۸- جعفری لنگرودی دکتر محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۹
- ۹- زراعت دکتر عباس، آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، نشر خط سوم، اول پاییز ۱۳۷۹
- ۱۰- شاپیرا ژان، حقوق بین‌الملل بازرگانی، ترجمه اسکینی دکتر ربیعا، انتشارات نشر دانش امروز، تهران، سال ۱۳۷۱

- ۱۱- صفائی دکتر سید حسین ، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی ، انتشارات نشر میزان ، تهران ، بهار ۱۳۷۵
- ۱۲- عالمی شمس الدین ، اعمال و اجرای قوانین و احکام بیگانه در ایران ، ابن سینا ، تهران ، سال ۱۳۴۵
- ۱۳- عرفانی دکتر محمود ، حقوق تطبیقی ، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تهران ، چاپ دوم ، جلد اول ، بهار ۱۳۶۹
- ۱۴- قائم مقام فراهانی دکتر عبدالمجید ، حقوق بین الملل (رویه های قضائی) انتشارات پازنگ ، تهران ، سال ۱۳۷۷
- ۱۵- کاتوزیان دکتر ناصر ، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی ، نشر دادگستر پاییز ۱۳۷۷
- ۱۶- نصیری دکتر محمد ، حقوق بین الملل خصوصی ، انتشارات آگاه ، تهران ، سال ۱۳۷۲
- ۱۷- نصیری دکتر مرتضی ، حقوق چند ملیتی ، انتشارات نشر دانش امروز ، چاپ اول ، تهران ، سال ۱۳۷۰
- ۱۸- محمد حمیدالله ، حقوق روابط بین الملل در اسلام ، ترجمه محقق داماد سید مصطفی ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، جلد اول ، چاپ اول ، تهران ، سال ۱۳۷۳
- ۱۹- مدنی دکتر سید جلال الدین ، آئین دادرسی مدنی (جلد سوم) اجرای احکام ، انتشارات گنج دانش ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۷۵
- ۲۰- مظفری احمد- نیکفر مهدی ، گزیده آرای دیوان لاهه (دیوان داوری ایران - آمریکا) ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول ، سال ۱۳۷۸
- ۲۱- الماسی دکتر نجاد ، شناسائی و اجرای احکام خارجی ، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، شماره ۲۵ (دیمه سال ۱۳۶۹)
- ۲۲- برنشتاین ادوارد ، اجرای احکام خارجی بوسیله دادگاههای ایالتی و فدرال آمریکا ، مترجم محمد جواد میرفخرائی ، مجاه حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین الملل جمهوری اسلامی ایران ، شماره ۲ (بهار سال ۱۳۶۴)

- ۲۳- بردبار محمد حسن ، اجرای احکام مدنی خارجی در انگلستان ، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران ، شماره ۵ (بهار سال ۱۳۶۵)
- ۲۴- تقوائی دکتر ابراهیم ، اجرای احکام خارجی در ایران ، مجله حقوق مردم ، شماره ۳۵ و ۳۶ (بهار - تابستان سال ۱۳۵۳)
- ۲۵- خطاطان سوسن ، اجرای احکام داوری بین المللی ، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران شماره ۱۶-۱۷ (۱۳۷۱-۱۳۷۲)
- ۲۶- محبی دکتر محسن ، اجرای احکام داوری ، مجله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ، تهران ، شماره ۴ (سال ۱۳۶۷)
- ۲۷- هووه آندره ، تشریفات شناسائی و اجرای احکام خارجی در آراء داوری در حقوق بین المللی خصوصی فرانسه ، مترجم اسکینی دکتر ربیعا ، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران ، شماره ۱۳ (پاییز سال ۱۳۶۹)
- ۲۸- تقریبی ایرج ، شناسائی و اجرای احکام خارجی (هشتمین کنگره آکادمی بین المللی حقوق تطبیقی) پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، سال ۱۳۵۱
- ۲۹- چشایر - نورد ، حقوق بین الملل خصوصی ، ترجمه محمد علی طالقانی ، بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران ، لاهه ، چاپ دهم ، ۱۹۷۹
- ۳۰- جواهری ساعتچی ، اجرای احکام خارجی در ایران ، تحقیق دوره کارآموزی وکالت ، کتابخانه کانون وکلای دادگستری مرکز ، شماره ردیف ۱۵۷۹ ، آبان سال ۱۳۷۹
- ۳۱- صفائی دکتر حسین ، آکادمی بین المللی حقوق تطبیقی و چهارمین کنگره بین المللی حقوق تطبیقی ، مجله دانشکده حقوق و علم سیاسی دانشگاه تهران ، شماره ۳۲ ، (تیر ماه سال ۱۳۷۳)
- ۳۲- گلدوزیان دکتر ایرج ، گزارش کنگره مؤسسه حقوق بین الملل به زبان فرانسه ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، شماره ۳۰ (دیماه سال ۱۳۷۲)
- ۳۳- نصیری دکتر مرتضی ، اجرای آراء داوری خارجی ، رساله دکتری ، بی ان سال ۱۳۴۶

- ۳۴- هانس برنارد ، اجرای احکام کشورهای بیگانه در انگلستان ، ترجمه بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران ، لاهه ۱۳۶۲
- ۳۵- ارفع نیا بهشید ، حقوق بین الملل خصوصی ، جلد دوم ، انتشارات عقیل ، چاپ سوم ، تهران ، سال ۱۳۷۵
- ۳۶- اسکینی دکتر ربیعا ، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل ، انتشارات نشر دانش امروز ، چاپ اول ، تهران ، سال ۱۳۷۰
- ۳۷- الماسی نجادعلی ، تعارض قوانین ، مرکز نشر دانشگاهی ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۷۵
- ۳۸ - بلدسو رابرت-بوسچک ، ترجمه آقائی دکتر بهمن ، انتشارات گنج دانش ، چاپ اول ، زمستان ۱۳۷۵
- ۳۹ - جعفری لنگرودی دکتر محمد جعفر ، دانشنامه حقوقی ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ پنجم ، سال ۱۳۷۵
- ۴۰ - خزائی دکتر حسین ، شناسائی و اجرای احکام داوری بین المللی ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، شماره ۳۹ (بهار سال ۱۳۷۷)

فهرست منابع خارجی :

- 40- Black s Law Dictionary Henry Campbell Black. M.A Fifth Edition West Publishing Co 1983 .
- 41-Richard h . field . materials for a basic course in Civil procedure . cases and materials . university case book series . fourth Edition 1978.
- 42-Enforcemenet of foreign judgments.Goodman and CARLLP . October 1998
- 43-Ec convention on jurisdiction and the enforcement of foreign judgments in civil and commercial Matters Brussels (1968) .

44-The Hague conference on Private International law . convention on the Recognition and Enforcement of Foreign judgments in civil and commercial Matters (Concluded February 1 1971) .

45-The Hague Conference on Private International law . Preliminary Draft. Convention on jurisdiction and the Recognition and Enforcement of foreign judgments in Civil and commercial matters The Special commission 30 October (1999) .

46-International jurisdiction and the Recognition and enforcement of foreign judgements in civil and Commercial matters Draft Hague convention july (1999) .

47- Papers Presented at the Irish Center for European law . Recognition and Enforcement of foreign judgments under Brussels Convention . dublin . Ireland (1999)